

آثار معنوی خویشاوندی بر مبنای قرآن و روایات

محمدسعید فیاض^۱

جواد هاتفی اردکانی^۲

چکیده

روابط خویشاوندی از جمله موضوعات جوامع بشری است که همواره مورد توجه ویژه دین و هدایت الهی بوده است. چراکه هدف از خلقت انسان به تصریح قرآن کریم، عبادت پروردگار و این که آن‌ها را بیازماید کدامیک نیکوکارترند است. این مهم تنها با پیمودن صراط مستقیم - که همان طریق اسلام است - حاصل می‌شود و تمامی احکام و معارف مورد نیاز بشر از جمله چگونگی روابط خویشاوندی را شامل می‌شود. مضامین فراوانی از قرآن و احادیث در زمینه پیوند خویشاوندی به ما رسیده است و دانشمندان اسلامی نیز همواره در تحلیل‌های اجتماعی‌شان به تأثیرات خویشاوندی در فرهنگ بشری توجه داشته‌اند. در این مقاله به مسئله اهمیت پیوند خویشاوندی بر مبنای قرآن و روایات معصومین^(ع) پرداخته شده است. نتیجه به‌دست‌آمده عبارت است از این که روابط متکی به خویشاوندی در صورتی می‌تواند منشأ آثار نیک دنیوی و اخروی باشد که ساختار و روابط آن، مطابق و برگرفته از اوامر و نواهی الهی باشد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، سنت، خویشاوندی، صله رحم.

۱. استادیار گروه الهیات، دانشگاه پیام نور مرکز میبد، یزد، ایران، (نویسنده مسئول). ایمیل: Msfby231134@gmail.com

۲. گروه علوم قرآن و حدیث (دبیر آموزش و پرورش میبد، متوسطه دوم) ایمیل: sarbadaranam@gmail.com

مقدمه

نظام هدایتی که در قرآن و سنت معصومین^(ع) برای انسان و جامعه انسانی ارائه شده، در جهت تأمین نیازهای واقعی و سامان یافتن زندگی دنیا و سعادت آخرت آنهاست و دستورات ارائه شده در این نظام هدایتی نیز شامل زمینه‌های متعدد و مربوط به ابعاد مختلف وجودی انسان است.

یکی از نیازهای اساسی که ریشه در درون و فطرت انسان دارد، نیاز به برقراری ارتباط و نیز احساس تعلق به هم‌نوعان خود است. اسلام این نیاز را از وجوه مختلف مورد توجه قرار داده و راه‌های صحیح تأمین آن را نیز ارائه کرده است. از جمله این وجوه، پیوند با خویشاوندان است که می‌تواند نقش به‌سزایی در زندگی دنیا و سعادت آخرت انسان داشته باشد. توجه به این مهم تا حدی است که قرآن کریم برقراری پیوند خویشاوندی را در کنار وفای به عهد الهی از جمله ویژگی‌های خردمندان معرفی نموده است (رعد، ۱۹ تا ۲۱). و آن‌ها که امر پروردگار نسبت به آن رعایت نکنند را در کنار نقض‌کنندگان عهد الهی و مفسدین فی الأرض و لعنت و فرجام بد و دشوار قیامت را برایشان بیان می‌کند (رعد، ۲۵).

قرآن کریم که خود را «هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ» (نحل، ۸۹)؛ هدایت‌گر مردم و دارای دلایلی روشن و آشکار از هدایت (بقره، ۱۸۵) و «تَبَيَّنَاتًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل، ۸۹) معرفی نموده است، از جمله مسئولیت پیامبر اکرم^(ص) را نسبت به هدایت الهی این‌گونه بیان می‌کند: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»؛ (نحل، ۴۴)؛ قرآن را هم به‌سوی تو نازل کردیم به خاطر این‌که برای مردم آنچه را که برای هدایت‌شان به سوی‌شان نازل شده بیان کنی. همچنین می‌فرماید: «وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ» (نحل، ۶۴)؛ ما این کتاب را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه حقایقی را که در آن اختلاف کرده‌اند، برای آنان توضیح دهی. در زمینه هدایت‌پذیری در مقام عمل، مؤمنین را به اطاعت از پیامبر اکرم^(ص) و اهل بیت ایشان^(ع) فراخوانده است چنانکه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء، ۵۹)؛ ای اهل ایمان! از خدا اطاعت

کنید و نیز از پیامبر و صاحبان امر خودتان اطاعت کنید.

اهمیت روابط خویشاوندی از این جهت است که بخشی از برنامه هدایت الهی برای تأمین نیاز فردی و اجتماعی انسان‌هاست. برای پرداختن این مهم و رسیدن به پاسخ دو سؤال، تحقیق را دنبال می‌کنیم:

۱. پیوند خویشاوندی بر اساس قرآن و روایات، از چه جهاتی می‌تواند منشأ اثر واقع شود؟

۲. پیوند خویشاوندی مطلوب و مورد تأیید اسلام چگونه و در صورت داشتن چه شاخصه‌هایی، واجد آثار مطلوب است؟

۱. تعریف پیوند خویشاوندی

معادل اصطلاح «پیوند خویشاوندی» در فرهنگ دینی مسلمانان با توجه به روایات، «صِلَهِ رَحِمٍ» است. در بیان معنای اصطلاحی صله و نیز قطع رَحِم، در کتاب حدیثی «الوافی»، آمده است که «صِلَهِ رَحِم: کنایه از احسان به خویشاوندان نسبی و سببی، عطف و ورزی، رفاقت و رعایت کردن احوال آن‌ها است و قطع رحم نیز ضد این معنا می‌باشد» (فیض، ۱۴۳۰، ج ۵، ص ۵۰۳).

همچنین در ارتباط با معنای صله رحم؛ با توجه به نظر علمای اسلامی، گفته شده: «محبت و سلوک داشتن با خویشان و نزدیکان است؛ و کنایه از نیکی به خویشان نسبی و سببی (دور و نزدیک، خوب و بد)، پیامبر (ص) و ائمه (ع) و مؤمنان و مهربانی به آن‌ها و سازگاری و همکاری با آنان و مراعات کردن حال آن‌هاست» (جعفرنیا، ۱۳۹۴، ص ۲۰۴).

۲. کارکرد پیوند خویشاوندی

در این جا به بیان چگونگی کارکرد روابط خویشاوندی مورد نظر اسلام در جهت حق‌پذیری و عملی شدن باور به توحید و رسیدن به آثار معنوی مترتب بر آن برای دنیا و آخرت خواهیم پرداخت.

۲-۱. پیوند خویشاوندی به عنوان مأموریت و عبادت الهی

همان‌طور که استاد مطهری در کتاب «جامعه و تاریخ» مطرح می‌کند «امر اصلی در اسلام، امر به تسلیم حقیقت بودن است و ملاک وحدت یا به تعبیری «ما»ی مسلمانان و هویت واقعی آنان در مکتب اسلام، همین تسلیم حقیقت بودن است» (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۲۳۰-۲۳۱). این مطلبی است که قرآن کریم صریحاً به پیامبر اکرم (ص) می‌گوید «... قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام، ۱۴)؛ بگو من مأمورم نخستین کسی باشم که فرمان خدا را گردن نهد و فرمان یافته‌ام هرگز از مشرکان مباش. و از شاخصه‌های اینکه دین کسی، احسن (بهتر و نیکوتر) است را این‌گونه مطرح می‌کند: «وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ...» (نساء، ۱۲۵)؛ و دین چه کسی بهتر است از آنکه همه وجودش را تسلیم خدا کرده است.

با این بیان، به پاسخ این سؤال می‌پردازیم که چه ارتباطی بین مأموریت اصلی اسلام (تسلیم حقیقت شدن) با برقراری روابط خویشاوندی و بهره‌گیری از آثار مادی و معنوی آن است؟

۲-۱-۱. مأموریت الهی بودن پیوند خویشاوندی

برای اثبات مأموریت الهی بودن پیوند خویشاوندی از باب اختصار تنها به بررسی شواهد قرآنی و روایی آیه ۲۱ سوره رعد در این زمینه می‌پردازیم. در تفسیر آیه شریفه «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يَوْصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ»؛ و آنچه را خدا به پیوند آن فرمان داده، پیوند می‌دهند و از [عظمت و جلال] پروردگارشان همواره در هراسند و از حساب سخت و دشوار بیم دارند (رعد، ۲۱). امام صادق (ع) در پاسخ به پرسش درباره این آیه فرمود: «قَرَابَتُكَ: مقصود خویشاوندان تو هستند» (بحرانی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۴۳۷).

در روایت دیگری حضرت فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ غَيْرَ الزَّكَاةِ... وَمِمَّا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَيْضًا فِي الْمَالِ مِنْ غَيْرِ الزَّكَاةِ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: الَّذِينَ يَصِلُونَ...»؛ خداوند متعال از مال ثروتمندان برای بینویان و فقیران

حقّی غیر از زکات قائل شده... خداوند متعال از جمله مواردی که در اموال واجب کرده است - البته غیر از زکات - آیه الذین یصلون... است» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۱، ص ۱۲۷؛ بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۴۳۷).

از مفاد این دو روایت درمی یابیم غیر از زکات واجب - که میزان و مقدار و نوع مصرف آن در شرع، مشخص است - برای عمل به تکلیف در جهت تحکیم پیوند خویشاوندی، بخشی از مال خود را به خویشاوندان فقیر بدهد. شاهد دیگر بر این معنا آنکه پیامبر اکرم (ص) در روایتی فرمودند: «... وَلَا صَدَقَةً وَ ذَوْرَحِمٍ مُّحْتَاجٍ»؛ در حالی که خویشاوند محتاج هست، صدقه دادن [در جای دیگری، روا] نیست» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۳۸۰).

همچنین مصداق امر الهی در این آیه، شامل پابندی به پیوند خویشاوندی با خاندان نبوت^(ع)؛ به عنوان خویشاوندان معنوی نیز می شود. چنانکه امام صادق (ع) فرمودند: «نزلت فی رَحِمِ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) وَقَدْ تَكُونُ فی قَرَابَتِكَ...» (این آیه) درباره صله رحم [پیوند خویشاوندی معنوی] با آل محمد علیهم السلام است و ممکن است درباره خویشاوندان خودت نیز باشد» (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۴۳۷).

همچنان که «ولایت امیرالمؤمنین (ع)، مراعات حقوق خاندان نبوت^(ع) و نیز روابط بین مؤمنان» نیز مندرج در این پیوند و ارتباط دانسته شده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۶۶). مطلبی که حتی در تفسیر الکشاف چنین آمده است که «ما أمر الله به أن یوصل: [آنچه را که خدا به پیوند آن فرمان داده] من الأرحام والقربات. یدخل فیهِ وَصْلُ قَرَابَةِ رَسُولِ الله و المؤمنین الثّابِتة بسبب الإیمان: عبارت قرآنی «ما أمر الله به أن یوصل» شامل خویشاوندان و پیوند با نزدیکان است که پیوند نزدیکی با پیامبر خدا (ص) و نیز مؤمنین ثابت در ایمان هم داخل در آن است» (زمخشری، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۴۷). او سپس برای برقراری پیوند مؤمنین ثابت در ایمان، به آیه شریفه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...»؛ جز این نیست که همه مؤمنان باهم برادرند (حجرات، ۱۰) استناد کرده است (زمخشری، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۴۷).

چنانکه در تفسیر شیعی «الصافی» نیز در ذیل آیه ۱۰ سوره حجرات در بیان معنای

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» از امام باقر^(ع) آمده است که: «المؤمن أَخُ المؤمن لِأَيِّهِ وَأُمُّهُ لِأَنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ طِينَةِ الْجَنَّةِ وَأَجْرِي فِي صُورِهِمْ رِيحُ الْجَنَّةِ فَلِذَلِكَ هُمْ إِخْوَةٌ لِأَبٍ وَأُمٍّ»؛ مؤمن، همانند برادر پدر و مادری برای مؤمن است چراکه خداوند مؤمنان را از طینت بهشت خلق کرد و در چهره‌هایشان از نسیم بهشت جاری کرد پس برای همین آن‌ها برادری از یک پدر و مادرند (فیض، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۲۸).

در تفسیر المیزان نیز در ارتباط با «أمر» در آیه ۲۱ رعد آمده است: «ظاهر این است که منظور از أمر، امر تشریعی است از ناحیه وحی چراکه حساب و مواخذه بر احکام نازل در شریعت است که احکام تشریعی فطرت را تأیید می‌کند و نه بر احکام فطرت به تنهایی» (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص ۴۶۹). و در ادامه، پیوند خویشاوندی را از معروف‌ترین مصادیق این آیه بیان می‌کند که ترک آن، مخالف امر خدا و باعث سوء الحساب: (حساب سخت و دشوار) در نامه اعمال است (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص ۴۶۹).

نتیجه اینکه پیوند خویشاوندی مطرح شده در این آیه در راستا و بخشی از امر اصلی اسلام؛ یعنی تسلیم حقیقت بودن است و بی توجهی به آن، مخالفت با امر الهی و باعث سختی حسابرسی در قیامت است.

۲-۱-۲. ارتباط توحید عملی با پیوند خویشاوندی

با توجه به آیه شریفه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ و جن و انس را جز برای اینکه مرا پرستند نیافریدیم (ذاریات، ۵۶). خدای متعال، غرض از خلقت جن و انس را عبادت کردن خدا بیان کرده است. ولی در آیاتی دیگر هدف خلقت انسان‌ها، آزمودن آن‌ها از این جهت که کدام‌یک از آن‌ها «أَحْسَنُ عَمَلٍ: نیکوترین عمل» را دارند، بیان شده است (هود، ۷؛ ملک، ۲؛ کهف، ۷). با توجه به این بیان، اکنون باید به این سؤال پاسخ داد که آیا بین «عبادت خدا» و «داشتن حُسنِ عمل در برابر آزمایش الهی» ارتباط معناداری وجود دارد یا خیر؟

در تفسیر «الکشاف» در بیان معنای «حُسنِ عَمَلٍ» در آیه ۷ سوره کهف آمده است که: «وَحُسْنُ الْعَمَلِ الزُّهْدُ فِيهَا وَتَرْكُ الْإِغْتِرَارِ بِهَا، ثُمَّ الزُّهْدُ فِي الْمَبِيلِ إِلَيْهَا» حُسن

عمل؛ زهد در دنیا، ترک فریفتگی به آن و زهد در میل به دنیا است» (زمخشری، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۵۶۶).

این معنا از حُسن عَمَل با روایات شیعه نیز همخوانی دارد. مثلاً: از امام سجاده^(ع) در تفسیر آیه ۲۴ سوره یونس آمده است که: «... إِنَّمَا خَلَقَ الدُّنْيَا وَ خَلَقَ أَهْلَهَا لِيُبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا لِآخِرَتِهِ»؛ خداوند دنیا و اهل دنیا را منحصرأً برای این خلق کرد که آن‌ها را مورد آزمایش قرار دهد تا معلوم شود کدام‌شان برای آخرتش نیکوترین عمل را دارند (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۳۱).

با توجه به این حدیث: خلق کردن دنیا و اهل آن برای به محک آزمون گذاشتن انسان‌ها و معلوم شدن حُسن و نیکویی عملکرد آن‌ها در برابر این آزمایش الهی، ابزار و وسیله‌ای برای تأمین سعادت آخرت آن‌ها است.

در بیان چگونگی ارتباط عبادت با سعادت آخرت انسان در تفسیر آیه «و ما خلقتُ الجن و الإنس إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، ۵۶)، این گونه مطرح شده که: «زندگی دنیا بدون آخرت، عبث است؛ چراکه قرآن می‌فرماید «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ؟»؛ آیا پنداشته‌اید که شما را بیهوده و عبث آفریدیم و اینکه به‌سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟ (مؤمنون، ۱۵)؛ لذا تنها راه رسیدن به رحمت و مغفرت و سعادت ابدی و بهشت، اطاعت از فرمان خدا در همه مراحل زندگی می‌باشد» (قرشی، ۱۳۹۵، ج ۱۰، ص ۳۶۰).

در زمینه عبارت «... لِيُبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»، تا آنان را آزمایش کنیم که کدام‌شان از نظر عمل نیکوترند» (کهف، ۷) نیز در تفسیر، این گونه بیان شده است که ابتلاء و آزمایش الهی، همان امر و نهی کردن مردم برای معلوم شدن مطیع از عاصی و نیز خواستن انجام عمل صالح از مردم است (طبرسی، ۱۳۹۹، ج ۱۵، ص ۱۰-۱۲). با توجه به آنچه گفته شد، نتیجه می‌گیریم که اوامر و نواهی مربوط به ساختار و روابط خویشتاوندی در قرآن و سنت، بخشی از برنامه عبادی و انجام عمل صالح در جهت رسیدن به سعادت آخرت - که هدف خلقت انسان است - است و با توجه به اینکه «مرز توحید و شرک در توحید عملی، به‌سوی اوایی [إِنَّا إِلَهِه رَاجِعُونَ] بودن،

است، چراکه توجه به هر موجود اعم از توجه ظاهری و معنوی هرگاه به صورت توجه به یک راه برای رفتن به سوی حق باشد و نه یک مقصود، توجه به خداست» (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۷۹).

لذا همین معنا را در ارتباط با توحید عملی و تحلیل آثار روابط خویشاوندی در پرتو آن، معیار قرار می‌دهیم و به ارائه چند نمونه قرآنی - روایی می‌پردازیم:

۱. از پیامبر اکرم (ص) در ارتباط با معنای «أَخِلَّاءُ» در آیه شریفه «الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ»؛ در آن روز دوستان، دشمن یکدیگرند مگر پرهیزکاران (زخرف، ۶۷). روایت شده است که: «چون قیامت برپا شود، پیوند ارحام (خویشاوندان) قطع و همه نسبت‌ها گسیخته و برادری‌ها همه باطل می‌شود مگر برادری در راه خدا» (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱۸، ص ۱۸۱). مطابق این مطلب، پیوند خویشاوندی وقتی می‌تواند برای آخرت ما تأثیرگذار باشد که دو ویژگی داشته باشد: ۱) در راه خدا باشد؛ و ۲) همراه با تقوای الهی باشد. این همان استفاده از پیوند خویشاوندی در جهت توحید عبادی؛ به معنای به سوی اوایی (إِنَّا إِلَهُ رَاجِعُونَ) بودن، است.

۲. خدای متعال در آیه ۳۶ سوره نساء می‌فرماید «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَى»؛ و خدا را پرستید و چیزی را شریک او قرار ندهید و نیکی کنید به پدر و مادر و خویشاوندان. در این آیه احسان و نیکی کردن به والدین و ذی القربی (سایر خویشاوندان) در کنار عبادت خدا و شرک نورزیدن به او بیان شده است.

قرآن کریم همچنین در بیان تأثیر روابط خویشاوندی مبتنی بر ایمان، از کنار هم بودن آن‌ها در بهشت، به عنوان عاملی مشوق، یاد می‌کند که: «... أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ»؛ فرزندانشان را [در بهشت] به آنان ملحق می‌کنیم (طور، ۲۱). و چنانکه در تفسیر «جوامع الجامع» آمده پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ وَأَوْلَادَهُمْ فِي الْجَنَّةِ - وقرأ هذا الآية: به درستی که مؤمنین و فرزندانشان در بهشت‌اند - و این آیه [طور] را قرائت فرمود» (طبرسی، ۱۳۹۹، ج ۶، ص ۱۵۰).

و درباره کسی که نامه اعمالش را به دست راستش می دهند، می فرماید: «و ینقلبُ اِلی اَهله مسروراً» (انشقاق، ۱۹). در بیان معنای این آیه آمده است: «[پس از فراغت از حسابرسی قیامت] به سوی خاندانش که حوران بهشتی اند یا به سوی فرزندان و عشیره اش برمی گردد درحالی که آنان پیش از او وارد بهشت شده اند» (طبرسی، ۱۳۹۹، ج ۶، ص ۱۵۰).

۳. در آیه ۸۳ سوره بقره: بعد از منع عبادت غیر خدا به عنوان میثاق الهی - که از بنی اسرائیل گرفته شده است - دستور به «احسان به والدین و ذی القربی (سایر خویشاوندان)» در کنار برخی دستورات دینی دیگر داده شده است. آن طور که در «مجمع البیان» درباره این آیه آمده: احسان به پدر و مادر «اعمال نیک و گفتار نیکو و تسلیم بودن در برابر عطف و رؤفت و خواستن نیکی برای آن ها از خدا» و احسان به ذی القربی (سایر خویشاوندان غیر از پدر و مادر) نیز «صله رحم و محکم ساختن پیوند خویشاوندی» تفسیر شده است (طبرسی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۲۳۹).

با پذیرفتن این معنا و نیز قبول این قول که: «دستورات داده شده در این آیه، از مصادیق اعمال صالح - که در آیه قبل در کنار ایمان بیان شده است - می باشد» (رفسنجانی و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۱۱)، درمی یابیم: احسان به والدین و سایر خویشاوندان بخشی از برنامه عملی این آیه برای تحقق توحید عبادی و تأثیر آن در سعادت دنیا و آخرت است.

۲-۲. پیوند خویشاوندی منشأ آثار

در اینجا از این منظر به بررسی و تحلیل کارکرد پیوند خویشاوندی در قرآن و روایات می پردازیم که این روابط چگونه می تواند منشأ آثار نیک معنوی برای دنیا و آخرت انسان ها باشد؟

۲-۲-۱. اتکا به اخلاق، ایمان و عقل

پیوند خویشاوندی مطلوب اسلام، در صورتی منشأ آثار نیک معنوی می باشد که متکی به سه مقوله اخلاق، ایمان و عقل باشد.

اخلاقی بودن: اساساً نظام خویشاوندی از نظر اسلام، در صورتی اخلاقی است

که عنصر اختیار و اکتساب با آن همراه باشد (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۴۲-۴۴). دلایل واضح و روشنی بر این دیدگاه در فلسفه اخلاق اسلامی وجود دارد. از جمله دلیل قرآنی زیر:

بر اساس آیه شریفه «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»؛ ما راه را به او نشان دادیم یا سپاسگزار خواهد بود یا ناسپاس» (انسان، ۳). بنابراین آیه نشان دادن راه درست و آنگاه تهدید کردن به دوزخ و یا بشارت دادن به بهشت - که در آیات بعدی آمده است - از این رو است که انسان موجودی است با دو ویژگی ۱- مکلف بودن و ۲- مسئول و مختار و انتخاب‌گر بودن و با داشتن این دو ویژگی است که خداوند نسبت به سپاسگزاری یا ناسپاسی، حجت را بر انسان‌ها تمام کرده و هیچ عذری برای ما باقی نگذاشته است (رفسنجانی و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۱۹، ص ۴۴۹).

اتکا به ایمان: از باب نمونه شواهد قرآنی و حدیثی زیر گویای این است که پیوندهای خویشاوندی در دنیا بدون تکیه بر ایمان نمی‌تواند در قیامت برای ما منشأ آثار معنوی نیک قرار گیرد:

۱) قرآن کریم در ارتباط با صرف وجود روابط خویشاوندی طبیعی در قیامت - که بدون لحاظ ایمان است - می‌فرماید «فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ»؛ پس هنگامی که در صور دمیده شود، در آن روز نه میان‌شان خویشاوندی و نسبیتی وجود خواهد داشت و نه از اوضاع و احوال یکدیگر می‌پرسند» (مؤمن، ۱۰۱).

۲) در آیه ۲۳ سوره توبه درباره نهی از دوستی و سرپرستی پدران و برادرانی که کفر را بر ایمان ترجیح می‌دهند می‌فرماید «... وَ مَنْ يَتَوَلَّهِمْ مِنْكُمْ فَاُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ و کسانی از شما که آنان را دوست و سرپرست خود گیرند، هم اینان اند که ستمکارند». در تفسیر این آیه، آمده است که: «چنین کسانی از نعمت الهی محروم‌اند و هیچ‌یک از اعمال صالح و حسناتشان در جلب سعادت و رستگاری اثر ندارد» (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۲۷۶). لذا دو نتیجه به دست می‌آید:

«محرومیت از نعمت الهی» و «بی‌تأثیر شدن اعمال صالح و حسنات در کسب

سعادت»، از جمله آثار منفی به دوستی گرفتن پدران و برادران کافر است. بنا بر آیه ۲۴ سوره توبه نیز ترجیح دادن دوستی پدران و فرزندان و سایر خویشان کافر بر دوستی خدا و پیامبر و جهاد در راه خدا، آثار منفی قرار گرفتن در گروه فاسقان و عذاب الهی را به دنبال دارد.

ضرورت اتکا پیوند خویشاوندی به عقلانیت: می‌دانیم که در منطق اسلام، حوزه عواطف و احساسات از حوزه عقلانیت جدا نیست. چنانکه اساساً ابراز احساس بندگی و عبودیت نسبت به خدا نتیجه تأثیر و به‌کارگیری صحیح عقل است. نمونه و شاهد روایی بر این مطلب آنکه، وقتی از امام صادق^(ع) پرسیده شد: «مَا الْعَقْلُ: عقل چیست؟ ایشان جواب دادند: «مَا عُيِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَاكْتُسِبَ بِهِ الْجَنَانُ»؛ آنچه با آن خدای رحمان عبادت شود و به‌وسیله آن بهشت، به دست آید (کلینی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۵).

نتیجه اینکه چون ابراز احساس بندگی و عبودیت - که روابط خویشاوندی صحیح نیز جزئی از این برنامه توحید در عمل است - نتیجه به‌کارگیری صحیح عقل است، پس باید از معیارهای مورد تأیید عقل، بهره بجویم تا پیوندهای خویشاوندی بتواند منشأ آثار معنوی نیک برای دنیا و آخرت ما شود.

۲-۲-۲. آثار پیوند خویشاوندی در روایات

گفتیم که از کارکرد خویشاوندی مطلوب اسلام این است که می‌تواند منشأ آثار نیک معنوی برای دنیا و آخرت انسان‌ها باشد و این امر، حاصل احساس تکلیف و ارزش دینی دانستن پیوند خویشاوندی است. اکنون برخی از این آثار را بر اساس قرآن و سنت معصومین^(ع) ارائه می‌کنیم:

۲-۲-۲-۱. در چگونگی ارتباط با خدا

۱) عامل پیوند با خدا: پیامبر اکرم^(ص) بنا به نقل امام صادق^(ع) می‌فرماید: «الرَّحِمُ مَمْدُودٌ مِنَ الْأَرْضِ إِلَى السَّمَاءِ، يَقُولُ: مَنْ قَطَعَنِي قَطَعَهُ اللَّهُ وَ مَنْ وَصَلَنِي وَصَلَهُ اللَّهُ»؛ رَحِم همچون طنابی از زمین به آسمان کشیده شده است و می‌گوید: هر کس پیوند مرا قطع کند خدا او را قطع کند و هر کس باعث وصل پیوند من باشد، خدا او

را وصل کند (نوری، ۱۴۱۱، ج ۱۵، ص ۲۴۲).

شاید این روایت که در ادامه نقل امام صادق^(ع) در کتاب مستدرک الوسائل آمده، دلیل این پیوند یا عدم پیوند با خدای متعال را به واسطه خویشاوندی، بهتر روشن کند که: «قال الله تعالى أنا الرحمن خَلَقْتُ الرَّحِمَ وَشَقَقْتُ لَهَا إِسْمًا مِنْ أَسْمَائِي فَمَنْ وَصَلَ هَا وَصَلْتُهُ، وَمَنْ قَطَعَ هَا قَطَعْتُهُ»؛ خداوند متعال فرمود که من خداوند رحمان هستم و این رَحِم را خلق نمودم و اسم آن را از اسم‌های خودم برگرفتم؛ هر کس پیوند و ارتباط با آن را به جای آورد، من نیز با او پیوند برقرار می‌کنم و هر که ارتباط با آن را قطع کند، من هم پیوندم را با او قطع می‌کنم (نوری، ۱۴۱۱، ج ۱۵، ص ۲۴۳).

بهترین عبادت بودن: برای نمونه در روایت است که از امام باقر^(ع) خواسته شد از بهترین چیزهایی که به وسیله آن‌ها خداوند، عبادت می‌شود بگویند. حضرت از جمله آن‌ها را این‌گونه بیان می‌فرمایند که: «حَجُّ الْبَيْتِ وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَصِلَةُ الرَّحِمِ...»؛ انجام حج خانه خدا، نیکی به پدر و مادر، صله رحم و... (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۴۰، ص ۶۲).

۳) محبوبیت در نزد خدا: در این زمینه به عنوان نمونه امام سجاد^(ع) از پیامبر اکرم^(ص) نقل می‌کنند که «مَا مِنْ خُطْوَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ خُطْوَتَيْنِ: خُطْوَةُ يَسُدُّ بِهَا صَفًّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى، وَخُطْوَةُ إِلَى ذِي رَحِمٍ قَاطِعٍ يَصِلُهَا»؛ از این دو گام محبوب‌تر در نزد خدا گامی نیست. قدمی که برای تحکیم صفی در راه خدا برداشته شود و گامی که برای صله رحمی که قطع شده، برداشته می‌شود (نوری، ۱۴۱۱، ج ۱۵، ص ۲۵۳).

۴) پشتیبانی الهی: مردی نزد پیامبر اکرم^(ص) آمد و گفت خویشاوندانم از من قطع ارتباط کرده‌اند و مرا از خود رانده‌اند. آیا من نیز چنین کنم؟ پیامبر اکرم^(ص) فرمودند «إِذَا يَرَفُضُكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً وَإِنْ وَصَلْتَهُمْ أَنْتَ ثُمَّ قَطَعُوا كَهْمُ، كَانَ لَكَ مِنَ اللَّهِ ظَهِيرٌ عَلَيْهِمْ»؛ در این صورت خداوند همه شما را از خود می‌راند و اگر تو با آن‌ها پیوندت را برقرار نمودی و باز آن‌ها از تو قطع ارتباط نمودند خداوند در مقابل آن‌ها پشتیبان تو

است (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۱، ص ۱۱۲).

۲-۲-۲-۲. در پیوند با اهل بیت^(ع)

درباره اینکه آیا اهل بیت^(ع) مصداق خویشاوندی هستند تا صحبت از آثار حاصل از آن کنیم یا نه؟ به بیان روایتی از امام صادق^(ع) اکتفا می‌کنیم:

عمر بن مریم می‌گوید از امام صادق^(ع) درباره این آیه قرآن سؤال کردم که «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ...»: [و آنچه را خدا به پیوند آن فرمان داده، پیوند می‌دهند...] قَالَ: «مِنْ ذَلِكَ صِلَةُ الرَّحِمِ وَ غَايَةُ تَأْوِيلِهَا صِلَتُكَ إِيَّانَا: حضرت فرمود از جمله آن، پیوند با خویشاوند است؛ و نهایت تفسیر آن پیوند تو با ما [اهل بیت^(ع)]

است» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۲۳، ص ۲۶۷).

جهت اختصار به ذکر یک نمونه در زمینه آثار پیوند با اهل بیت^(ع) می‌پردازیم:
امام رضا^(ع) در حدیثی فرمودند «إِنَّ رَحِمَ آلِ مُحَمَّدٍ؛ الْأُتَمَّةُ^(ع)، لَمُعَلَّقَةٌ بِالْعَرْشِ تَقُولُ صَلِّ مَنْ وَصَلَنِي وَاقْطَعْ مَنْ قَطَعَنِي، ثُمَّ هِيَ جَارِيَةٌ بَعْدَهَا فِي أَرْحَامِ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ» (نساء، ۱)، (فیض، ۱۴۳۰، ج ۵، ص ۵۰۵). بنا بر مفاد این حدیث:

* حقیقت معنوی رَحِمِ (ارتباط خویشاوندی با) آل محمد^(ص) به زبان دعا می‌گوید: خدایا! پیوند با کسی که با من پیوند نموده و قطع کن [ارتباط خود را] از کسی که با من قطع ارتباط نموده است.

* اثر فوق در ارتباط با خویشاوندی، جاری در میان مؤمنان نیز است.

* همچنین رعایت حق پیوند خویشاوندی معنوی با اهل بیت^(ع) و مؤمنان از مصادیق رعایت تقوای الهی نسبت به خدا و خویشاوندان که در آیه ۱ سوره نساء بیان شده، می‌باشد و بدیهی است که این رعایت تقوا می‌تواند هم در زندگی دنیا و هم آخرت، آثار معنوی متعددی داشته باشد.

۲-۲-۳. در بهره‌مندی از آثار اخروی

(۱) نجات از آتش: در این ارتباط از جناب ابوذر غفاری به نقل از پیامبر اکرم^(ص) نقل شده است که «عَلَى حَافَتِي الصُّرَّاطُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّحِمُ وَالْأَمَانَةُ فَإِذَا مَرَّ عَلَيْهِ الْمَوْصِلُ

لِلرَّحِمِ الْمُوَدَّى لِلْأَمَانَةِ، لَمْ يُتَكَفَّأَ بِهِ فِي النَّارِ؛ بر لبه پل صراط از دو چیز سؤال می‌شود: صله رحم (پيوند خویشاوندی) و امانت‌داری. پس هر کس صله رحم را به‌جا آورده و امانت را ادا نموده باشد، داخل آتش انداخته نمی‌شود» (نوری، ۱۴۱۱، ج ۱۵، ص ۲۴۰).

(۲) توجه ویژه الهی: امام سجاده^(ع) در روایتی فرمودند: «مَنْ رَوَّجَ لِلَّهِ وَ وَصَلَ الرَّحِمَ تَوَجَّهَ اللَّهُ بِتَاجِ الْمَلِكِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هر کس برای خاطر خدا ازدواج کند و پیوند خویشاوندی را به‌جا آورد، خداوند در روز قیامت با دادن تاج پادشاهی، او را مورد توجه قرار می‌دهد» (نوری، ۱۴۱۱، ج ۱۵، ص ۲۳۷).

(۳) شفاعت در قیامت: پیامبر اکرم^(ص) در حدیثی فرمودند «الرَّحِمُ مُعَلَّقَةٌ وَلَهَا لِسَانٌ ذَلَّقَ وَهِيَ شَفِيعَةٌ مُطَاعَةٌ وَ تَقُولُ: اَللّٰهُمَّ صَلِّ مَنْ وَصَلَنِي وَاقْطَعْ مَنْ قَطَعَنِي؛ خویشاوندی آویخته به عرش است [جایگاه والایی در نزد خدا دارد.] و شفاعت کننده‌ای با نفوذ در نزد خداست؛ و [در قیامت] می‌گوید: خدایا هر کس که پیوند با مرا حفظ کرد، به او پیوند و هر کس که از من قطع ارتباط نمود، با او قطع رابطه کن» (نوری، ۱۴۱۱، ج ۱۵، ص ۲۴۵).

(۴) ورود به بهشت و کسب درجات آن: در حدیثی، از جمله مواردی که پیامبر اکرم^(ص) فرمودند هر کس پیوند خویشاوندی را برقرار کند، خود ایشان آن‌ها ضمانت می‌کنند این است که «يُدْخِلُهُ اللَّهُ تَعَالَى [فِي] الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَهُ؛ خداوند او را به بهشتی که وعده داده است، وارد می‌کند» (نوری، ۱۴۱۱، ج ۱۵، ص ۲۴۶).

(۵) آسانی حسابرسی در قیامت: در این ارتباط از امام صادق^(ع) نقل شده است که فرمودند «إِنَّ صَلَّةَ الرَّحِمِ تُهَوِّنُ الْحِسَابَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ پیوند خویشاوندی باعث سبک شدن حساب در روز قیامت می‌شود. ثُمَّ قَرَأَ: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ؛ و آنچه را خدا به پیوند آن فرمان داده، پیوند می‌دهند و از [عظمت و جلال] پروردگارشان همواره در هراسند و از حساب سخت و دشوار بیم دارند (رعد، ۲۱)» (نوری، ۱۴۱۱، ج ۱۵، ص ۲۳۹).

(۶) اجر اخروی و جبران در دنیا: امام علی^(ع) بنا به نقل امام صادق^(ع) در سفارش نسبت

به خویشاوندان می‌فرماید: وَ مَنْ بَسَطَ يَدَهُ بِالْمَعْرُوفِ إِذَا وَجَدَهُ يُخْلِفِ اللَّهُ لَهُ مَا أَنْفَقَ فِي دُنْيَاهُ وَ يُضَاعِفَ لَهُ فِي آخِرَتِهِ؛ و هر که چون دارا شود (دست به احسان گشاید) آنچه را داده، خدا در دنیایش جبران کند و در آخرت برایش چند برابر سازد» (کلینی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۹۷).

۷) پاداش‌هایی ویژه: از پیامبر اکرم^(ص) روایت شده که فرمودند: هر کس با جان و مالش برای انجام پیوند با خویشاوندانش اقدام کند، پاداش‌هایی بدین شرح دارد:

الف. «أَعْطَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَجْرَ مِائَةِ شَهِيدٍ: خداوند به او ثواب صد شهید می‌دهد.

ب. «و لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ: در هر گامی چهل هزار حسنة برای او است.

ج. «و يَمْحَى عَنْهُ أَرْبَعُونَ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَ يَرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلَ ذَلِكَ: و چهل هزار سیئة از او محو می‌شود؛ و به مانند آن، درجه او بالا می‌رود.

د. «و كَانَتْما عَبْدَ اللَّهِ مِائَةَ سَنَةٍ صَابِرًا مُحْتَسِبًا: چنانکه گویی با شکیبایی و خداخواهی، صدسال عبادت خدا را کرده است (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۳، ص ۳۳۵).

۲-۲-۲-۴. در کسب فضایل و خوبی‌ها

۱) افزایش ایمان: در این ارتباط از امام صادق^(ع) نقل شده است که «صِلَةُ الْأَرْحَامِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ زِيَادَةٌ فِي الْإِيمَانِ؛ پیوند با خویشاوندان و حُسن خُلق، باعث افزایش ایمان می‌شود» (نوری، ۱۴۱۱ ق، ج ۱۵، ص ۲۴۷).

۲) از بهترین خلق‌ها بودن: پیامبر اکرم^(ص) در حدیثی می‌فرماید «صِلَةُ الرَّحِمِ مِنْ أَحْسَنِ الشَّيْمِ؛ برقراری پیوند خویشاوندی از بهترین خلق‌هاست» (مجلسی، ۱۳۸۴، ج ۱۵، ص ۲۵۰).

همچنین پیامبر اکرم^(ص) در حدیثی فرمودند «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى خَيْرِ أَخْلَاقِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؟ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: مَنْ وَصَلَ مَنْ قَطَعَهُ؛ آیا شما را به برترین انسان‌های دنیا و آخرت؛ از نظر اخلاق، راهنمایی ننمایم؟ گفتند: چرا ای رسول خدا. فرمود کسی است که با قطع کننده پیوند، پیوند برقرار کند» (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۰).

۳) بهترین مردم شدن: در این زمینه، در روایتی از پیامبر اکرم^(ص) سؤال می‌شود

که «مَنْ خَيْرُ النَّاسِ؟ چه کسی بهترین مردم است؟» حضرت در پاسخ می‌فرماید «أَتْقَاهُمْ لِلَّهِ وَ أَوْصَلَهُمْ لِرَحِمِهِ؛ باتقواترین‌شان نسبت به خدا و برترین‌شان در برقراری پیوند با خویشاوندانش» (نوری، ۱۴۱۱، ج ۱۵، ص ۲۴۵).

۴) حُسْنُ خُلُقٍ و پاکی نفس: امام باقر^(ع) در روایتی فرمودند «صِلَةُ الْأَرْحَامِ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَ تَسْمَحُ الْكَفَّ وَ تُطَيِّبُ النَّفْسَ وَ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ؛ پیوند با خویشاوندان، خُلُق انسان را نیکو می‌سازد، دست را گشاده می‌کند، نفس را پاک می‌گرداند و روزی را افزایش می‌دهد» (فیض، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۵۰۷).

دلیل و چگونگی این تأثیر: علامه مجلسی^(ره) درباره دلیل این تأثیر می‌گوید: «چون با پیوند خویشاوندی، حُسْنِ معاشرت در دل، مَلَكه می‌شود و به دیگران هم سرایت می‌کند و بخشش [در روابط با خویشان] تبدیل به عادت می‌شود.» و درباره چگونگی این تأثیر نیز در ادامه می‌گوید: «تُطَيِّبُ النَّفْسَ؛ به این است که آن را با بذل و عفو و احسان انجام بدهد. بدون کینه و حسد و بدخواهی یا اینکه از دشمنان، هم‌وغم و اندیشه به خاطرش راه ندهد زیرا پیوند با خویشاوند، دشمنی او و خویشاوندان را می‌زداید و مایه آسودگی از شر مردم دیگر می‌شود و بلکه وسیله دوستی آن‌ها هم هست» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۱، ص ۱۱۴).

۵) پاک‌سازی و تزکیه اعمال: این مورد نیز از جمله آثار برقراری پیوند خویشاوندی است. چنانکه امام باقر^(ع) فرمودند «صِلَةُ الْأَرْحَامِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ...» (فیض، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۵۰۸).

در بحارالأنوار درباره معنای تُزَكِّي الْأَعْمَالَ؛ در توضیح حدیثی مشابه حدیث فوق، گفته شده که: «یعنی ثواب آن‌ها را افزون می‌کند، یا آن‌ها را از نقایص پاک می‌کند یا سبب قبولشان می‌شود و آن‌ها را مدح می‌کند و به کمال می‌رساند» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۱، ص ۱۱۱).

۶) افزایش خیر در عمل: در این زمینه امام باقر^(ع) فرمودند «و ثَلَاثٌ لَا يَزِيدُ اللَّهُ فِي فِعْلِهِنَّ إِلَّا خَيْرًا: الصَّفْحُ عَمَّنْ ظَلَمَهُ وَ إِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَهُ وَ صِلَةُ مَنْ قَطَعَهُ؛ سه چیز است که خداوند بر خیر عمل کردن به آن می‌افزاید گذشت کردن [انسان] از کسی که به او

ظلم کرده، بخشش به کسی که او را محروم نموده و برقراری ارتباط با کسی که رابطه دوستی و خویشاوندی را با او قطع کرده است» (نوری، ۱۴۱۱، ج ۱۵، ص ۲۵۲).

۷) خودداری از آزار رساندن: در این ارتباط از امام صادق^(ع) در ضمن روایتی چنین آمده است که «أَفْضَلُ مَا تَوْصَلُ بِهِ الرَّجِمُ كَفُّ الْأَذَى عَنْهَا؛ بهترین چیزی که باعث پیوند با خویشاوند است، خودداری از آزار آنان است» (کلینی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۹۵). در توضیح معنای «خودداری از اذیت کردن» به همین بسنده می‌کنیم که از امام سجاد^(ع) روایت شده «كَفُّ الْأَذَى مِنْ كَمَالِ الْعَقْلِ وَفِيهِ رَاحَةُ الْبَدَنِ عَاجِلًا وَآجِلًا؛ خودداری از آزار، از کمال عقل و مایه آسایش تن در دنیا و آخرت است» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۴۱).

۸) محبوبیت در نزد خانواده: امام صادق^(ع) در روایتی درباره پیوند خویشاوندی می‌فرماید «تُحِبُّ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَلْيَصِلْ رَحِمَهُ؛ فرد را در نزد خانواده‌اش محبوب و دوست‌داشتنی می‌کند. پس باید نسبت به خدا تقوا پیشه کند و پیوند خویشاوندی را به‌جا آورد» (فیض، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۵۰۸).

۹) نیک‌نامی: امام علی^(ع) در روایتی از جمله سفارش‌هایی که نسبت به خویشاوندان می‌کند، این است که «وَمَنْ يُلِنْ حَاشِيَتَهُ يَعْرِفُ صَدِيقَهُ مِنْهُ الْمَوَدَّةَ... وَلِسَانُ الصِّدْقِ لِلْمَرْءِ؛ يَجْعَلُهُ اللَّهُ فِي النَّاسِ، خَيْرًا مِنَ الْمَالِ يَأْكُلُهُ وَيُورَثُهُ؛ و هر که نرمی و فروتنی کند، دوستش از او مودت بیند... و نام نیکی که خدا برای کسی در میان مردم می‌گذارد، از مالی که می‌خورد و به ارث می‌گذارد، بهتر است» (کلینی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۹۷).

۱۰) فروتنی و توجه به نیازهای خویشاوندان: امام صادق^(ع) در روایتی می‌فرماید «أَتَى أَحَبُّ أَنْ يَعْلَمَ اللَّهُ أَتَى قَدْ أَذْلَلْتُ رَقَبَتِي فِي رَحِمِي وَأَنِّي لِأُبَادِرُ أَهْلَ بَيْتِي أَصْلُهُمْ قَبْلَ أَنْ يَسْتَغْنُوا عَنِّي؛ دوست دارم خدا بداند من برای خویشاوندانم فروتنی می‌کنم؛ و من پیش از آنکه اهل بیتم از من بی‌نیاز شوند، به پیوست آن‌ها سبقت می‌جویم» (کلینی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۹۷). دو نکته با توجه به این حدیث دریافت می‌شود:

۱ - اهمیت تأثیر فروتنی و توجه به نیازهای خویشاوندان تا جایی است که امام

معصوم^(ع)، تصریح دارد دوست می‌دارد، خداوند از این رفتار او آگاه شود. ۲ - نکته دیگر اینکه ممکن است مرگ بین ما و آن‌ها فاصله اندازد و آن وقت دیگر آن‌ها از ما بی‌نیازند چون نمی‌توانیم کاری برایشان بکنیم پس قدر نعمت زندگی را بدانیم.

۲-۲-۵. در آثار رفاهی، آرامشی و امنیتی

۱) بی‌نیازی در اثر حمایت الهی: در این ارتباط پیامبر اکرم^(ص) در حدیثی فرمودند: «كُلُّ أَهْلِ بَيْتٍ إِذَا تَوَاصَلُوا كَانُوا فِي كَنْفِ الرَّحْمَانِ وَمِنْ أَهْلِ بَيْتٍ يَتَوَاصَلُونَ فَيَحْتَاجُونَ؛ هر خانواده‌ای آنگاه که پیوند خویشاوندی یکدیگر را به‌جا آورند، در کنف حمایت الهی قرار می‌گیرند؛ و خانواده‌ای نیست که این پیوند را حفظ کنند و نیازمند شوند» (نوری، ۱۴۱۱، ج ۱۵، ص ۲۴۶).

۲) تأثیر در طول عمر: در زیر مواردی در ارتباط با طول عمر و آثاری چون تأخیر در مرگ - که نتیجه طبیعی آن، طول عمر است - را ارائه نموده‌ایم. این موارد چه‌بسا همراه با آثار دیگری در روایات، آمده است که چند نمونه را ذکر می‌کنیم:

الف. تأخیر در مرگ و توسعه رزق: از پیامبر اکرم^(ص) نقل شده است که «مَنْ سَرَّهَ أَنْ يُنْسَأَ فِي أَجَلِهِ وَيُوسَعَ عَلَيْهِ فِي رِزْقِهِ، فَلْيَصِلْ رَحْمَةً؛ هرکس به تأخیر افتادن مرگ و وسعت یافتن روزی، او را شاد می‌کند، باید پیوند با خویشاوندش را برقرار کند» (نوری، ۱۴۱۱، ج ۱۵، ص ۲۴۵).

ب. سه اثر دیگر، توأم با تأخیر در مرگ: از امام صادق^(ع) به نقل از امام رضا^(ع) نقل شده است که «صِلَةُ الرَّحِمِ مَنَسَاةٌ فِي الْأَجَلِ، مَثَرَةٌ فِي الْمَالِ، مُحَبَّةٌ فِي الْأَهْلِ؛ پیوند با خویشاوند، مرگ را به تأخیر می‌اندازد، مال را افزون می‌سازد و در خاندان دوستی به وجود می‌آورد» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۱، ص ۸۷). در حدیث مشابهی در کتاب مستدرک الوسائل از پیامبر اکرم^(ص) این عبارت اضافه شده که «وَسُودٌّ فِي الْعَشِيرَةِ: باعث سیادت و بزرگی یافتن در میان خویشاوندان می‌شود» (نوری، ۱۴۱۱، ج ۱۵، ص ۲۴۵).

ج. طول عمر توأم با آبادانی دنیا: امام صادق^(ع) در این ارتباط از پیامبر اکرم^(ص) در ضمن روایتی می‌فرماید «الْبِرُّ وَصِلَةُ الْأَرْحَامِ عِمَارَةُ الدُّنْيَا وَزِيَادَةُ الْأَعْمَارِ؛ نیکوکاری

وصله رحم، باعث آبادانی دنیا و طول عمر می‌شود» (نوری، ۱۴۱۱، ج ۱۵، ص ۲۴۴).
 د. از سی سال به سی و سه سال: در ارتباط با خصوص افزایش طول عمر از امام کاظم^(ع) چنین نقل شده است که «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكُونُ قَدْ بَقِيَ مِنْ أَجَلِهِ ثَلَاثُونَ سَنَةً فَيَكُونُ وَصُولاً لِقَرَابَتِهِ وَصُولاً لِرَحِمِهِ فَيَجْعَلُهَا اللَّهُ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً...؛ مردی است که از عمرش سی سال مانده و به خویشانش رسیدگی می‌کند و پیوند خویشاوندی را به جا می‌آورد پس خداوند آن را سی و سه سال می‌کند...» (نوری، ۱۴۱۱، ج ۱۵، ص ۲۴۱).
 ۳) سلامت جسم: امام صادق^(ع) از پیامبر اکرم^(ص) نقل می‌کند که حضرت فرمودند «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُنْسَأَ فِي أَجَلِهِ وَيُعَافَى فِي بَدَنِهِ، فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ؛ هرکس دوست دارد مرگش به تأخیر افتد و سلامت جسم داشته باشد، باید پیوند با خویشاوندش داشته باشد.»

نکته: با توجه به اینکه در روانشناسی، برخورداری از حمایت اجتماعی را قوی‌ترین عامل پیش‌بینی کننده سلامت در زندگی (وانگ و وولی، ۲۰۰۳)، و از جمله این حمایت‌ها را حمایت عاطفی یعنی ابراز توجه، محبت، همدلی، علاقه و دلسوزی نسبت به کسی، دانسته‌اند (علی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۷۵ - ۷۷). روشن است که می‌توان با انجام درست تکلیف دینی صله رحم به بهترین وجه از چنین حمایتی، برخوردار شد.

۴) افزایش مال: این اثر را امام باقر^(ع) در کنار چند اثر دیگر این‌گونه بیان فرمودند که «صِلَةُ الْأَرْحَامِ تُرَكِّي الْأَعْمَالَ وَتَنُمِي الْأَمْوَالَ وَتَدْفَعُ الْبَلَوَّ وَتُيسِّرُ الْحِسَابَ وَتُنْسِي فِي الْأَجَلِ؛ پیوند با خویشاوندان عمل‌ها را پاک می‌سازد، بر اموال می‌افزاید، بلا را دفع می‌کند، حساب قیامت را سبک می‌کند و عمر را زیاد می‌کند» (فیض، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۵۰۸).

۵) خیر در دنیا به عنوان ثواب: از پیامبر اکرم^(ص) در این زمینه روایتی است که فرمودند «إِنَّ أَعْجَلَ الْخَيْرِ ثَوَابًا، صِلَةُ الرَّحِمِ؛ کار خیری که زودتر از همه ثواب داده می‌شود، صله رحم است» (فیض، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۵۰۸).

۶) آبادانی در سرزمین: در این ارتباط امام صادق^(ع) فرمودند «صِلَةُ الرَّحِمِ وَحُسْنُ

الجوار، يُعَمِّرَانِ الدِّيَارَ وَيَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ؛ پیوند خویشاوندی و حُسن همسایگی سرزمین‌ها را آباد می‌کند و طول عمر را زیاد می‌کند» (کلینی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۹۶).

۷) افزایش جمعیت: حضرت زهرا^(س) در خطبه معروف خود، در این باره می‌فرماید «فَرَضَ اللَّهُ صَلَاةَ الْأَرْحَامِ مَنَّمَةً لِلْعَدَدِ؛ خداوند پیوند خویشاوندی را برای افزون شدن شمار خاندان واجب نموده است» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۱، ص ۹۳). و یا در روایتی از امام صادق^(ع) آمده است که یکی از اصحاب به ایشان فرمود «إِنَّ آلَ فُلَانٍ يَبْتَزُّ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَيَتَوَاصَلُونَ؛ قبیله‌ای نسبت به یکدیگر احسان کنند و صله رحم نمایند.» امام در پاسخ به او فرمودند: «إِذَا تَنَمَّى أَمْوَالُهُمْ وَيَتَمَوَّنَ فَلَا يَزَالُونَ فِي ذَلِكَ حَتَّى يَتَقَاطَعُونَ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ انْقَشَعَ عَنْهُمْ؛ در این صورت بر اموال‌شان افزون می‌شود؛ و [از لحاظ آمار جمعیت] خودشان نیز افزوده می‌شوند؛ پیوسته در این وضع‌اند تا از هم ببرند و اگر چنین کنند این نعمت از آن‌ها گرفته می‌شود» (کلینی، ۱۴۲۸، ج ۷۱، ص ۱۲۴).

۸) همکاری و عبور از سختی‌ها: در این زمینه امام علی^(ع) در نامه به امام حسن مجتبی^(ع) می‌فرماید «أَكْرِمَ عَشِيرَتِكَ، فَإِنَّهُمْ جَنَاحُكَ الَّذِي بِهِ تَطِيرُ، وَأَصْلُكَ الَّذِي إِلَيْهِ تَصِيرُ، وَيَدُكَ الَّتِي بِهَا تَصُولُ؛ و خویشاوندت را گرامی بدار که آنان چون بال تواند که بدان پرواز می‌کنی و ریشه تواند که به آن باز می‌گردی و دست تو که بدان حمله می‌آوری» (شهیدی، ۱۳۷۵، ص ۳۰۸).

۹) رهایی از احساس تنهایی: پیامبر اکرم^(ص) بنا بر نقلی فرمودند «رَأَيْتُ فِي الْمَنَامِ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي يُكَلِّمُ الْمُؤْمِنِينَ فَلَا يُكَلِّمُونَهُ فَجَاءَهُ صَلَاةٌ لِلرَّحِمِ فَقَالَ يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ! كَلِّمُوهُ فَإِنَّهُ كَانَ وَاصِلًا لِرَحِمِهِ، فَكَلَّمَهُ الْمُؤْمِنُونَ وَصَافَحَهُ وَكَانَ مَعَهُمْ؛ در خواب مردی را از امت خود دیدم که با مؤمنان سخن می‌گفت اما آن‌ها با او سخن نمی‌گفتند. آنگاه صله رحم او (پیوند با خویشاوندش) به نزدش آمد و گفت: ای گروه مؤمنان! با او سخن گوید چرا که او پیوند خویشاوندی‌اش را به‌جا آورده است. آنگاه مؤمنان با او هم‌سخن شدند و با او مصافحه کردند و او با آن‌ها همراه شد» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۱، ص ۹۹).

نکته: چون خواب پیامبران همانند بیداری آنان، گویای حقایق عالم است؛ چنانکه امام علی^(ع) فرمودند «خواب چهار قسم است... پیامبران بر پشت بخوابند و چشمشان

نخواهد و در انتظار وحی پروردگارشان عَزَّوَجَلَّ باشند» (مجلسی، ۱۳۸۶، ص ۷۳ و ۱۸۷). چه بسا که محتوای خواب پیامبر^(ص) در این حدیث به عنوان پیامی از وحی و حقیقت برآمده از آن؛ البته وحی غیر قرآنی، برای توجه مؤمنین به تأثیر «احساس با جمع بودن و دوری از انزوا و تنهایی» بیان شده است.

۱۰) محبت با خویشان و سرکوبی دشمنان: در حدیثی از پیامبر اکرم^(ص) آمده است که «صِلَةُ الرَّحِمِ تَوْجِبُ الْمَوَدَّةَ وَ تَكْبِتُ الْعَدُوَّ؛ پیوند خویشاوندی موجب ایجاد محبت بین خویشاوندان می شود و دشمن را ناامید و ذلیل (، سرکوب) می کند» (نوری، ۱۴۱۱، ج ۱۵، ص ۲۵۰).

تذکر: بر اساس قرآن و روایات قطع پیوند خویشاوندی نیز در نقطه مقابل، می تواند آثار منفی زیادی را داشته باشد که حاصل عدم احساس تکلیف و بی توجهی به ضد ارزش دینی بودن قطع پیوند خویشاوندی است که به علت اختصار بحث، از بیان آن ها صرف نظر می کنیم.

نتیجه گیری

قرآن و روایات معصومین^(ع) اهمیت ویژه ای را به برقراری پیوند با خویشاوندان داده اند. این اهمیت، صرفاً به خاطر خویشاوندی بر پایه سَبَب یا نَسَب نیست. بلکه روابط متکی به خویشاوندی در صورتی می تواند منشأ آثار نیک دنیوی و اخروی باشد که ساختار و روابط آن، مطابق و برگرفته از اوامر و نواهی الهی باشد. در این صورت است که می توان آن را در راستای تحقق تسلیم حقیقت بودن به عنوان امر اصلی اسلام و نیز عملی شدن ابعاد نظری توحید در رفتار فرد و اجتماع (توحید عبادی)، تلقی نمود. البته این مهم زمانی عینیت می یابد که پیوند خویشاوندی نیز همچون سایر روابط و مناسبات انسانی مورد توجه در قرآن و روایات، اتکا به مقوله های عقل و ایمان و اخلاق داشته باشد و آنگاه است که ما انسان ها می توانیم از ظرفیت ساختار و روابط خویشاوندی به بهترین وجه بهره ببریم و آثار معنوی آن را در درون خود و نیز ابعاد مختلف اجتماعی در زندگی دنیایی احساس کنیم و مهم تر آنکه سعادت آخرت



خود را نیز از قِبل آن به دست آوریم و باید از بی‌توجهی و کمرنگ شدن و به تعبیری قطع پیوند خویشاوندی مطلوب اسلام، پرهیز نمود. چراکه ممکن است به صورت یک معضل تبدیل شود. چنانکه امروزه عامل بخشی از آسیب‌های تمدن جدید برای بشریت نیز همین معضل است و آثار و نتایج ناگواری را در ابعاد مختلف به دنبال داشته است.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم

۱. بحرانی، سید هاشم، (۱۳۸۹)، تفسیر البرهان، ناظمیان و همکاران، تهران: کتاب صبح.
۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۸۳)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دارالحديث.
۳. جعفرنیا، فاطمه، (۱۳۹۴)، «جایگاه روابط خویشاوندی در اسلام و تأثیر آن بر سبک زندگی»، دومین کنگره بین‌المللی تفکر و پژوهش دینی، اردبیل: اداره کل تبلیغات اسلامی.
۴. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۳)، مفاتیح الحیاة، قم: مرکز نشر اسراء.
۵. حر عاملی، شیخ محمد بن الحسن الحر، (۱۴۱۴)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت.
۶. زمخشری، جابر الله ابی القاسم محمود بن عمر، (۱۴۱۸)، الکشاف، ریاض: مکتبة العیکان.
۷. شریف رضی، سید ابوالحسن، (۱۳۷۵)، نهج البلاغة، شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۸۷)، تفسیر المیزان، موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۹)، تاریخ الرسل والملوک، ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر الکترونیک.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۹۹)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، محمد بیستونی، قم: بیان جوان.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۸۷)، جوامع الجامع، شادمهری و همکاران، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۲. علی پور، احمد، (۱۳۹۰)، مقدمات روان‌شناسی سلامت، تهران: انتشارات پیام نور.

۱۳. فیض کاشانی، ملأ محسن، (۱۴۳۰)، کتاب الوافی، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی^(ع).
۱۴. فیض کاشانی، ملأ محسن، (۱۴۱۶)، تفسیر الصافی، قم: مکتبه الصدر.
۱۵. قرشی، علی اکبر، (۱۳۹۵)، تفسیر احسن الحديث، قم: نوید اسلام.
۱۶. کلینی، شیخ محمد بن یعقوب، (۱۴۲۸)، اصول الکافی، بیروت: منشورات الفجر.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۸۶)، بحار الانوار، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۵)، فلسفه اخلاق، تهران: انتشارات صدرا.
۱۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴)، جهان بینی توحیدی، تهران: انتشارات صدرا.
۲۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۵)، توحید، تهران: انتشارات صدرا.
۲۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۵)، جامعه و تاریخ، تهران: انتشارات صدرا.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۱)، پیام قرآن، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. نراقی، مولا احمد، (۱۳۸۷)، معراج السعادة، قم: انتشارات قائم آل محمد^(ص).
۲۴. نوری طبرسی، حاج میرزا حسین، (۱۳۱۱)، مستدرک الوسائل، قم: موسسه آل البيت.
۲۵. هاشمی رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان، (۱۳۸۶)، تفسیر راهنما، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.